

آینه

کیمان

از شبکه زنان شیردل بسیجی تا شبکه فمینیست های مسلمان!

در هفته‌ای که گذشت، معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری با همراهی وزارت صنعت، دومین نمایشگاه و همایش «نقش‌آفرینی زنان در توسعه پایدار» را با سرِفصل «توانمندسازی اجتماعی زنان» مطابق با فرامین دستوری غربی در اجلاس کمیسیون مقام زن نیویورک، برگزار کرد. تحقیقی کوتاه نشان داد هر سه مرکز مذکور با هویت ایتالیایی و هلندی وابسته به یک شبکه بین‌المللی رهبری زنان در جامعه جهانی هستند که متشکل از ده‌ها بنیاد مختلف است و به صورت شبکه‌ای مدیریت طرح غربی «توانمندسازی زنان» براساس اصل «برابری جنسیتی» را عهده‌دار هستند. سؤال اصلی اینجاست که چه کسانی در داخل در برابر اجرای طرح نفوذ دشمن در حوزه اعتدال زنانه جامعه ایرانی واداده‌اند و حرکت دشمن در چنین مسیر خطرناکی را تسریع می‌کنند؟ در کدام اتاق فکر نظام جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته شد «اشتغال زنان» کلید توسعه جامعه باشد درحالی‌که در مدل اسلامی برخلاف مدل توسعه غربی، اشتغال زنان به خودی خود «ارزش» محسوب نمی‌شود!؟



جستی و چرایی راهبرد نفوذ آمریکا در پستاتوق

● **بی‌الله جوانی:** از نشانه‌های بصیرت در موضوع دشمن‌شناسی، شناخت استراتژی دشمن قبل از پیاده‌سازی آن است. از تمامی شواهد و قرائن این نکته به دست می‌آید که آمریکایی‌ها فقط به‌دنبال حل موضوع هسته‌ای با ایران نبوده و توافق هسته‌ای با ایران را، باید بخشی از سناریوی آمریکایی‌ها بر مبنای یک راهبرد جدید موردتوجه قرار داد. باید بدانیم آمریکایی‌ها از این طریق دنبال مهار ایران بوده و معتقدند با مهار ایران، جمهوری اسلامی روند افت قدرت را طی خواهد کرد و در این مسیر مجبور به تغییر رفتار شده و در نهایت زمینه‌های تغییر ساختار در ایران فراهم می‌شود. بنابراین باید در مقابل ایده تعمیم‌دادن مذاکرات هسته‌ای و توافق هسته‌ای به‌عنوان یک الگو به سایر موضوعات و از جمله مسائل منطقه‌ای، هوشیار بود و دچار فریب نشد. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما این را گفته‌ایم و اعلان کرده‌ایم که در هیچ مسئله‌ای جز مسئله هسته‌ای با آمریکایی‌ها طرف صحبت نمی‌شویم؛ هم به مسئولان سیاست خارجی‌مان گفته‌ایم، هم به بقیه مسئولان گفته‌ایم که داخل نمی‌شویم. علت هم همین است که جهت‌گیری آنها درست نقطه مقابل جهت‌گیری ماست. ۱۸۰ درجه ما با هم تفاوت داریم.»

بهار

نیاید برای مطبوعات خط قرمز مصنوعی گذاشت

● **علی مطهری:** متأسفانه هنوز سیاست سخت‌گیری درباره معترضان سال ۸۸ وجود دارد، درحالی که قانون اساسی ما اعتراض و حتی راهپیمایی را مجاز شمرده است. این در حالی است که شهید مطهری، بعد از قیام ۱۵ خرداد نزدیک دو ماه زندانی شد، اما از تدریس در دانشگاه محروم نشد. مجلس نهم به مسائل کلان کشور و به حقوق شهروندی کمتر توجه کرده است و برخی نمایندگان خود را نماینده دیگران می‌دانند تا نماینده ملت؛ مثلاً در مرگ ستار بهشتی توسط یک مأمور خاطی که من به شکل سؤال از وزیر کشور مطرح کردم، بسیاری از نمایندگان این کار را خلاف مصلحت نظام می‌دانستند، درحالی‌که این‌گونه اقدامات عین مصلحت نظام است؛ یا اینکه حاضر نیستند به مسئله ممنوع‌التصویری و ممنوع‌البیانی رئیس‌جمهوری اسبق با مسئله حصر بپردازند و این یک نقص است. هر مجلس تنها کارهایی نیست که به جایی برنخورد و مجلس باید وظیفه نظارتی خود را درست انجام دهد. نتیجه انتخابات آینده بیشتر به رفتار نهادهای نظارتی بستگی دارد که فضا را باز بگذارد و از ورود افراد مستقل و آزاده جلویگیری کند یا نکند. اگر جلویگیری شود، مشارکت پایین می‌آید و باز بیشتر همین تندروها رای می‌آورند. باید افرادی که مدیون افراد و گروه‌ها و منابع ثروت و قدرت نیستند و خوش‌فکر و حرو و آزاد هستند، به مجلس راه یابند، نه افراد فرصت‌طلب و متملق.

ایران

منافشه مخالفان برجام کی پایان می‌پذیرد؟

● **آفرین چیت‌ساز:** آیا حضور یوکیا آمانو در کمیسیون برجام و پرسش و پاسخ او با نمایندگان منتقد نقطه پایان سلسله مخالفت‌هاست؟ در روزهای اخیر چند حرکت جدید در مواضع روزهای جریان تندرو ضدبرجام نمایان شده است که نشان از این دارد که برخی محافل‌درصددند آتش نزاع با برجام را در زمین‌ها شعله‌ور نگه‌دارند. نکته مهمی که اگر روزها از سوی طیف تندروها نادیده گرفته می‌شود این است که ساختار نظام جمهوری اسلامی قاعده بحث موافق و مخالف را حول موضوعات مهم کشور پذیرفته است اما هیچ‌گاه تصمیم‌گیری در مسائل کلان و مرتبط با منافع ملی را معطل رفع اختلاف جناح‌ها نمی‌گذارد. یکی از دغدغه‌های افکار عمومی این است که اگر برجام در مرحله ورود به عرصه اجرا در ایران با اماواگر روبه‌رو شود آیا بسا این پیام منفی را به اردوی حریف بدهد که تهران پای عهد و عقود خویش پایدار نیست یا حتی به دست حریفان بهانه‌جو و کمین‌نشته این حریه را بدهد که در تهران اراده کافی و نافذ برای پیشبرد توافقی‌ها و تفاهم‌های بزرگ نیست.

✎ **جریان مشروطه در ایران با مفهوم نقد**

خویشتن و نقد وضعیت موجود در مقابل دیگری یعنی همان غرب آغاز می‌شود و روشنفکران پرچمدار این نقد هستند. به نظر می‌رسد این پارادایم در دهه‌های بعد برعکس می‌شود. مثلاً در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ما با نقد مدرنیته و غرب و بحث‌هایی مانند «بازگشت به خویشتن» مواجه می‌شویم و شاهد هستیم که روشنفکری مورد حمله قرار می‌گیرد. اتفاقی که در سخنرانی دکتر اباذری در دانشگاه تهران رخ داد و جنجال‌های بعد از آن این تصور را ایجاد می‌کند که انگار دوباره روشنفکران ما به وضعیتی بازگشته‌اند که در آن نوک نقد دوباره به سمت فرهنگ جامعه خودی است. دکتر اباذری منتقد فرهنگ توده است و به یک شکل مدافع سلیقه نخبه‌گرایانه. نقدها و اعتراضاتی که به ایشان شد هم این ذهنیت را دوباره زنده کرد که انگار رابطه عامه و روشنفکر قرار نیست در ایران تغییر کند و از نگاه توده، روشنفکر همیشه متهم است و از نگاه روشنفکر سلیقه توده، نازل.

اگر اجازه بدهید یک پله عقب‌تر برویم و

مفهوم روشنفکری، جایگاه و کارکردش را بررسی کنیم. آیا روشنفکر را معادل روشننگری قرار می‌دهیم؟ یا چنانکه مرحوم جلال آل‌احمد و مرحوم دکتر علی شریعتی مطرح می‌کنند، این یک خطای مفهومی است که منتقدان وضعیت اجتماعی عهد ناصری و نهضت مشروطه‌خواهی با به‌کاربردن کلمه منورالفکر پدید آورده‌اند. من ترجیح می‌دهم در پرتو بحث جالبی که مایکل والزر در این زمینه دارد، از واژه منتقد اجتماعی استفاده کنم. تحولات در شیوه نقد اجتماعی در بحران‌های اجتماعی و سیاسی بیشتر خود را آشکار می‌کند. برای نمونه، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در جامعه و به‌طور طبیعی در میان فعالان سیاسی، یک نوع پریشانی گسترده و درعین‌حال، عمیق ایجاد شد. درست است که چنین بحران‌هایی ابتدا در صحنه اجتماع است که خود را نشان می‌دهد، اما در بن آن، به قول «مک اینتایپر»، نوعی بحران معرفت‌شناختی است که باید راجع به آن به طور جداگانه مفصلاً بحث کنیم. به‌هرحال، اتفاقی که افتاد این است که روشنفکران به چند دسته تقسیم شدند: گروهی که کاملاً جذب قدرت شدند، گروهی که نقد اجتماعی را به معنای خاص خود کنار گذاشتند و فاعله‌هایشان در حوزه‌های خاص محدود شد، گروهی که جذب حرکت‌های رادیکال‌تر شدند (از جمله کسانی که به جریان مبارزه مسلحانه می‌پیوندند) و گروهی که به یک بازنگری بنیادین در مورد راهی که از آن پس باید بروند می‌پردازند. بسیاری از مناقشاتی که در آن زمان مطرح است به نقدی که از طرف خود روشنفکران و روشنفکران وارد می‌شود برمی‌گردد که حاصل شرایط تاریخی آن زمان است. باید شرایط آن زمان را کامل درک کرد و بعد در موردش قضاوت کرد. والزر کتابی به نام «تفسیر و نقد اجتماعی» دارد که به فارسی هم ترجمه شده است؛ کتاب بسیار خوبی است و خواندن آن را به همه کسانی که در مورد مسئله روشنفکری مطالعه می‌کنند، توصیه می‌کنم. در این کتاب، او نظریه‌اش را ارائه می‌کند و اشتباهات نظریه‌های رایج درباره پدیده روشنفکری را نشان می‌دهد. والزر در همان زمان کتابی را منتشر کرده بود به نام «مجمع منتقدان: نقد اجتماعی و التزام سیاسی در قرن بیستم» که در آن ۱۱ منتقد اجتماعی و روشنفکر را براساس آن نظریه بررسی کرده بود؛ از جمله مارتین بوبر، آنتونیو گرامشی، اگنارزیو سیلونه، جورج اورول، آلبر کامو، سیمون دوبوار، هربرت مارکوزه و میشل فوکو.

چه چیزی است که یک نفر را به‌عنوان روشنفکر مطرح می‌کند؟ نقد او به وضع موجود. این نقد حاصل مقایسه تحلیلی است از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب. متأسفانه نقد در جامعه ما متأسفانه صرفاً به معنی عیب‌جویی فهمیده شده، درحالی‌که در اصل یعنی ارزیابی و ارزیابی هم یعنی نقاط مثبت و منفی را در کنار هم مطرح‌کردن. نکته مهمی که والزر مطرح می‌کند، این است که براساس چنین فهمی از نقد اجتماعی، روشنفکری دیگر صرفاً در یک پدیده مدرن که مثلاً در انقلاب فرانسه شکل گرفته، خلاصه نمی‌شود. نقد اجتماعی به این معنا، از ابتدای تاریخ و زندگی اجتماعی بشر وجود داشته است. با این تعریف، پیامبران هم جز منتقدان اجتماعی محسوب می‌شوند. شاعران، معلمان و مانند آن، همه عضوی از کاروان تاریخی طولانی نقد اجتماعی محسوب می‌شوند. اتفاقاً بخش سوم کتاب تفسیر و نقد اجتماعی، بحث بسیار جالبی دارد که در آن زندگی یکی از انبای بنی اسرائیل به نام عاموس را براساس همان نظریه بازخوانی می‌کند که بسیار خواندنی است. والزر نکته مهمی را مطرح می‌کند، می‌گوید روشنفکری مدرن براساس تحولی که در علوم تجربی و نهضت روشنگری به وجود آمد گمانش بر این بود که برای فهم پدیده‌ای به نام جامعه، باید از آن فاصله بگیرد که آن را «فاصله نقادی» می‌نامید. فکر می‌کرد باید این انقطاع حاصل شود

سیاست

بررسی نقد متقابل روشنفکران و جامعه در گفت‌وگو با علیرضا بهشتی

متهمان همیشگی



مهسا جزینی

رابطه‌ای که از همان ابتدا مخدوش شکل گرفته است؛ مردم و روشنفکران. مقصر کیست؟ روشنفکران به سلیقه نازل مردم و رفتار توده‌وارشان ایراد می‌گیرند و مردم از برج عاج‌نشینی روشنفکر کلاه‌می‌دند. هیچ‌وقت هم هیچ‌کدام حرف هم را نمی‌فهمند. صحبت‌های جنجال‌برانگیز دکتر اباذری در دانشگاه تهران، در نقد پدیده پاشایی را برخی درهم‌زن رستا، مصداق توهین به سلیقه عمومی ارزیابی کردند. این سلیقه عمومی اما بعداً خودش را در درخواست عجیب خواننده زیرزمینی در اینستاگرامش نشان داد. از مخاطبانش خواسته بود او را با لفظی عجیب همراهی کنند و عجیب هم عده زیادی همراهی کردند. حالا همان‌ها که به اباذری تاخته بودند، این‌بار از این ابتذال شاک‌ی شدند و به سطحی‌شدن سلیقه موسیقایی جوانان تا حد بی‌رویی‌شان از یک درخواست توهین‌آمیز خرده گرفتند. اگر چه دکتر اباذری آن روز حرف‌های مهم‌تر دیگری هم داشت که در سایه آن نقدها گم شد. به همین بهانه با دکتر علیرضا بهشتی درباره رابطه روشنفکر و مردم گفت‌وگو کرده‌ایم.

تا بتواند جامعه را بی‌طرفانه بفهمد و درست ارزیابی کند، درحالی‌که به لحاظ معرفت‌شناختی اصلاً شناخت پدیده‌های اجتماعی این‌طور صورت نمی‌پذیرد. به‌خاطر نقدهای «پست‌اجددی» که به مدرنیته وارد شده ما می‌دانیم که اصلاً نمی‌توانیم خودمان را از موقعیت‌مندی خودمان منفک کنیم. آنها به دنبال یک «نگاه از کاجا» بودند؛ شبیه اتفاقی که در علم تجربی افتاد و گمان می‌کردند در علوم اجتماعی نیز می‌تواند اتفاق بیفتد.

درواقع منتقد اجتماعی یک مفسر است؛ مفسر وضع موجود. ولی تفسیر هیچ‌گاه منفک از وضعیت مطلوب نیست. این‌روزها برخی از افراد، روشنفکران را غیرواقع‌بین و آرمانی می‌خوانند، در حالی که بدون توجه به مطلوب آرمانی، اصولاً نقد ممکن نیست. اما این با برج عاج‌نشینی فرق دارد. در مفهوم روشنفکری مدرن، وقتی می‌خواهید منفک شوید، یعنی برج عاج‌نشین شده‌اید و خودتان را فاعله‌های خاص محدود شد، و فاصله‌ای بین خود و جامعه متصور هستید.

✎ **ولسی این نگاه انتقادی به آنچه «برج عاج‌نشینی روشنفکران» نامیده می‌شود گویا فقط در جوامع شرقی با حداقل آن‌طور که ما تجربه داریم در ایران اتفاق افتاده است.** آیا در فرهنگ غرب هم این ستیز با روشنفکری را می‌بینیم یا در دوره‌ای شاهد آن بودیم؟

در فرهنگ غربی نیز این مسئله کم‌وبیش اتفاق افتاده است. فاصله نقادی از دیدگاه والزر نه از موضوع مورد مطالعه روشنفکری یعنی جامعه، بلکه فاصله‌ای است که او از روابط قدرت دارد. البته روابط قدرت فقط به حکومت محدود نمی‌شود، شما روابط قدرت را در بازار هم می‌بینید. یک روشنفکر هم که مقهور روابط بازار است یا نتوانسته فاصله خود را از آن حفظ کند نمی‌تواند نقش نقادانه خود را ایفا کند.

✎ **با وجود این، باز هم می‌توان روی او نام روشنفکری گذاشت؟**

درواقع جای بسی از روشنفکری بر تن دارد. بعضی‌وقت‌ها روابط قدرت در میان خود جامعه روشنفکری شکل می‌گیرد، یعنی قطب یا قطب‌هایی شکل می‌گیرد و شما اگر خارج از دایره آن قطب‌ها باشید، بایکوت می‌شوید. به تعبیر شهید بهشتی «رابطه مرید و مرادی» هم در رابطه بین روحانیت و مردم دیده می‌شود، که میان روشنفکران و مردم. عین رابطه‌ای که میان روحانیت و بخشی از مردم می‌بینید، گاه در میان روشنفکران و جامعه مخاطبان‌شان وجود دارد. یک رابطه محفلی دارند که هرکس را به این محفل را نمی‌دهند. اما نکته‌ای که به‌درستی گفتید این است که هروقت بخواهد نقد کند و از قدرت فاصله بگیرد، قدرت هم او را رها نمی‌کند و برایش محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد.

✎ **در دوره‌ای ما با روشنفکرانی روبه‌رو شده‌ایم که به مردم بسیار نزدیک شده‌اند. این نزدیکی اگرچه توان اثرگذاری‌شان را چندین برابر کرده است، اما باعث شده بین‌مایه فکری آنها سال‌ها بعد مورد نقد قرار گیرد و حتی گاه اتهام پوپولیست‌بودن هم به برخی از آنان زده شود.** نقدهایی که بعضاً به شریعتی و به‌ویژه آل‌احمد شده، از همین‌منظر است. به نظر می‌رسد اینکه فردی بتواند هم عنوان روشنفکر باشد و هم در تاریخ حفظ کند و در عین حال، صیغه مردمی هم داشته باشد، بسیار رقیب و شما

دست‌یافتنی بوده است.

این تفسیر از شریعتی و آل‌احمد را قبول ندارم. ارقضا، دیدگاه هر دو با آنچه والزر می‌گوید، قرابتی عجیب دارد. آنها هم به روشنفکری برج عاج‌نشین نقدهای بنیادین دارند؛ آن هم با ارجاع به نظریه‌ای با حداقل گزاره‌های نظری قابل‌تأمل. سؤال این است چه هنگام تأثیر منتقد اجتماعی– سیاسی زیاد می‌شود؟ زمانی که با زبان مناسب با مردم ارتباط برقرار کند، به تعبیر خودمانی، یعنی حرف دل مخاطب خود را بزند. نویسنده‌ای چند تا رمان نوشته است، اما یکی از این رمان‌ها به قول معروف، خیلی کل می‌کند. چرا؟ چون مخاطب احساس می‌کند این رمان بیان‌کننده همان دردهایی است که او به‌عنوان مخاطب نمی‌توانسته به‌روشنی بیان کند. نویسنده همان چیزها را بیان می‌کند و به همین علت مورد اقبال قرار می‌گیرد. مثلاً فیلم «مارمولک» وقتی اکران شد، با اقبال عمومی مواجه شد. چرا؟ چون توانسته بود حرف دل مردم مطرح کند.

به بسیاری از سخنرانی‌ها و نوشته‌های دکتر شریعتی هم اگر نگاه کنید، می‌بینید خالی از نقد نسبت به وضعیت جامعه معاصرش نیست. گاهی این نقد متوجه اقشار خاصی است و گاهی کل حاکمیت، گاهی به شیوه مستقیم و گاهی غیرمستقیم، البته نسبت به آن دسته از روشنفکرانی که نقد را قناری خود را کاملاً رها کرده و گوشه عافیت را اختیار کرده‌اند هم نقد دارد. بخشی از داورۃ‌های غیرمصفانسه‌ای که درباره شریعتی می‌شود، ناشی از نقد او به این بخش از روشنفکری است. مثلاً شریعتی را پایه‌گذار جنگ‌های مسلحانه و جنگ‌های چریکی می‌دانند، یا او را به‌عنوان ایدئولوگ مجاهدین خلق مطرح می‌کنند، درحالی‌که مجاهدین، شریعتی را جریان انحرافی می‌دانستند، یعنی می‌گفتند اصلاً این جریان به‌وجود آمده است تا نیروهایی که باید به سمت ما بیایند را به فعالیت‌های فرهنگی گسترده اجتماعی سوق دهد. به‌نظر من تصویرسازی‌هایی که شریعتی از چهره‌های تاریخ صدر اسلام می‌کند، طرح آنان به‌مثابه منتقدان اجتماعی است و این خدمتی بس بزرگ است. این نوع نگاه شریعتی بعدها گسترده‌تر و موجب حرکت اجتماعی گسترده‌ای شد که زمینه را برای ظهور انقلاب و رویارویی مستقیم مردم با نظام خودکامه شاهنشاهی فراهم کرد.

✎ **یکی از انتقاداتی که به روشنفکران می‌شود، این است که آنها خود را در برابر اکثریت قرار می‌دهند.** به‌عنوان نمونه، به دکتر اباذری این نقد وارد شد که شما به سلیقه جمع کثیری توهین کرده‌اید. می‌گویند این برخلاف دموکراسی است. اکثریت سلیقه‌ای دارد و باید به این سلیقه احترام گذاشت. توده در برابر نقد روشنفکر گاه این احساس را پیدا می‌کند که تحقیر شده است.

اولاً دموکراسی نمی‌تواند صرفاً با تکیه بر نظر اکثریت و بدون احترام به رأی اقلیت وجود داشته باشد. حداقل از زمان جان استوارت میل به‌بعد این نکته پذیرفته شده است که اکثریت نمی‌تواند خود به‌مثابه یک دیکتاتور باشد. ثانیاً وظیفه روشنفکر این است که نقد بکند و این نقد می‌تواند با نقدهای دیگر پاسخ داده شود. مشکل جامعه ما این است که فضای گفت‌وگو در آن شکل نگرفته است. جوری شده که حتی در زندگی عادی می‌تواند ممکن است من نسبت به پوشش شما و شما

نسبت به پوشش من، قضاوت‌های کلیشه‌ای داشته باشیم. بلافاصله با ایجاد کلیشه‌هایی فرد را در معرض اتهام قرار می‌دهیم و انگ می‌زنیم. این اتهامات در بسیاری از مواقع بسیار کارسازند و می‌توانند به بسج افکارعمومی علیه شخصی یا مقامی یا سبکی یا تفکری یا دیدگاهی منجر شوند. پیش از اینکه به داورۃ برسیم، اجازه به‌دیم طرف مقابل حرف خود را بیان کند و تحقیق کنیم ببینیم چنین چیزی که نسبت می‌دهیم اتفاق افتاده است یا خیر؟ جامعه ما از این لحاظ رشد کافی نکرده است.

همین نوع اتهام‌زنی‌ها در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب در جامعه ما به‌شدت جریان داشت. چند وقت پیش مصوبات شورای انقلاب را مرور می‌کردم، دیدم مصوبه‌ای دارد که طبق آن هیچ مطلبی از شخصی در صداوسیما پخش نشود مگر آنکه آن فرد در همان صداوسیما بیاید و از خودش دفاع کند.

در مورد بحث آقای دکتر اباذری چون برایم از همین منظر وظیفه روشنفکری جالب بود، خدمتشان رسیدم تا ابهاماتی که در ذهنم بود، برطرف شد. ایشان به من گفتند که موسیقی مورد بحث را به یک متخصص موسیقی پاپ داده‌اند تا تجزیه و تحلیل کند. در کنار تجزیه و تحلیلی که از اشعار داشتند به این نتیجه رسیده‌اند که با نوع مبتذلی از موسیقی مواجه شده‌ایم. من نمی‌خواهم از آقای دکتر اباذری جانبداری کنم، حرف من این است که این وظیفه ایشان است که نقد خود را مطرح کند، دلیلی ندارد که ما بخواهیم چنین هجمه‌ای را به یک روشنفکر وارد کنیم.

✎ **بعد از نقد دکتر اباذری، ما با پدیده دیگری روبه‌رو شدیم. یکی از خوانندگان سبک جدید را طرفدارانش در صفحه اینستاگرامش خواست که حمایت خود را با تکرار لفظ «یغ‌یغو» اعلام کنند که اتفاقاً با استقبال بی‌نظیری هم روبه‌رو شد.** آیا واقعاً آن‌طور که دکتر اباذری از آن سخن می‌گوید، جامعه ما در آستانه یک ابتذال جمعی قرار گرفته است؟

ابتدا بگویم که آقای دکتر اباذری گفتند که این بحث اصلاً قرار نبوده عمومی شود. از آن بحث‌هایی بوده که همیشه در دانشکده علوم اجتماعی مطرح می‌شده، اما حالا کسی آن را ضبط کرده و بخش شده است. اما به‌هرحال، من فکر می‌کنم که این بحث نیاز به مطالعه میدانی گسترده‌تری دارد. ممکن است که بخشی از جامعه به این وضعیت دچار شده باشد. ممکن است در بسیاری از مواقع بحث ما پشتوانه علمی چندانی نداشته باشد. البته در بحث‌های خودمانی عیبی ندارد، اما برای کسی که چنین بحث‌هایی را به صورت یک نظریه یا تفسیر مطرح می‌کند، این عیب بزرگی است. ببینید مثلاً ما در مورد تشییع‌خانه یک شاعر بزرگ مثل احمد شاملو با جمعیتی بزرگ‌تر از این مواجه بودیم. تشییع‌خانه ام‌کلشوم، خواننده شهیر مصری، بی‌نظیر بوده است. ام‌کلشوم خواننده مبتذلی نیست، خواننده کلاسیک عرب است، ولی هیچ‌وقت از تشییع‌خانه او تقدیر این چنینی نشد. باین‌همه، شاید تجزیه‌وتحلیل‌های آقای اباذری درست باشد چون من در حوزه تجزیه‌وتحلیل جامعه‌شناختی ایشان را بسیار توانمند می‌دانم.

✎ **شما گفتید شاید وضعیت به آن بدی‌ای که دکتر اباذری مقصود می‌کنند نباشد و به بررسی میدانی نیاز دارد؟**

به‌لحاظ نوع دیدگاه‌هایی که در آن جمعیت وجود داشته می‌گویم.

✎ **در نقد نگاه دکتر اباذری و غیرسیاسی‌شدن مردم، برخی اشاره‌ای کردند به رای مردم در ۹۲ به روحانی و اینکه برعکس نگاه ایشان اتفاق‌رای به روحانی نشان داد و مردم، هم سیاسی‌اند و هم عندالزوم از خود کنش درست عقلانی نشان می‌دهند.**

بخشی از این حرف درست است اما به یاد داشته باشیم تعداد رای‌دهندگان در تهران زیر ۵۰ درصد بود. در شهرهای بزرگ نیز مشارکت پایین بود. به‌نظر من نقد و بررسی انتخابات ۹۲ هم ضروری است، هرچند اطلاعات ما درباره چندوچون سیر انتخابات بسیار ناقص است. اینها بحث‌هایی هستند که باید اجازه داده شود در فضایی علمی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گیرند و طبعاً مطبوعات و رسانه‌ها بعد از آن استفاده کنند و به زسان عمومی‌تر آنها را بیسان کنند. اما تا وقتی از تفسیرهای ما به‌عنوان ابزار تبلیغاتی استفاده می‌شود، وضع همین‌طور خواهد بود.

✎ **برخی نحوه بیان و نوع مواجهه دکتر اباذری را مورد نقد قرار دادند اما برخی دیگر گفتند این نقد اگر گسترده شد، تأثیرگذار شد و خودش مثل بحث و صحبت شد، دقیقاً به‌خاطر نوع بیان آن بود.** به‌خاطر تندسی و تیزی آن بود. آیا می‌توان گفت که اصلاً کار روشنفکر همین است؟ یعنی باید بزند به قلب ماجرا تا نقدش مؤثر واقع شود.

عرض کردم که آقای دکتر اباذری می‌گوید این بحثی عمومی نبوده و در دانشکده خودشان مدام این بحث‌ها مطرح است.

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹سال پیش در چنین روزی

تقدیر

- گفت‌وگوی رئیس‌جمهوری با روزنامه «واشنگتن‌پست»: آمریکا باید سیگنال‌های مثبت برای مذاکره ارسال کند
- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری: ممانعت از ثبت‌نام دانشجویان به‌دلیل فعالیت سیاسی، کذب محض است
- رسوایی در وزنه‌برداری؛ به‌جز رضازاده و ابراهیمی، تمام وزنه‌برداران تیم ملی دوبینی هستند
- محسن رضایی: حضرت امام فرمودند اگر من جای شما بودم، ناو آمریکا را با آریبی‌جی می‌زدم
- بازداشت ۹۰دقیقه‌ای وزیر امور خارجه ونزولا در آمریکا
- وزیر نفت خبر داد: ۸۳۴هزار خودرو امسال گازسوز می‌شوند- تاکنون ۱۰۸هزار خودرو دوگانه‌سوز شده‌اند



- تولید روزانه چهارمیلیون و ۷۵ هزار بشکه نفت در ایران
- سفر آقازاده به مسکو برای امضای تفاهم‌نامه نهایی نیروگاه بوشهر
- توکلی: با لایحه متمم بوده موافق نیستم
- نرخ تورم در مرداد امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۲ درصد افزایش یافت؛ گریبان دولت در دست گرانی
- دوبینک ۹ ملی‌پوش؛ دنیا بر سر وزنه‌برداری ایران خراب شد
- با توافق شیعیان و کردها صورت گرفت؛ رفع موانع ایجاد فدرالیسم عراق
- تعلیق عضویت سودان در سازمان ملل

کیمان

- علی‌رغم تأکید اعضای جبهه اصلاحات؛ کروبی ائتلاف با اصلاح‌طلبان را نپذیرفت- کروبی؛ به‌جز احزاب مشارکت و سازمان مجاهدین، حاضرم اسامی نامزدهای سایر گروه‌های اصلاح‌طلب را در لیست خود بگنجانیم
- شورای اقتصاد تصویب کرد؛ ۵۱میلیارد تومان بارانه برای تثبیت قیمت بلیت قطار
- با احداث آزادراه اصفهان- شیراز؛ فاصله شیراز به تهران ۱۸۰کیلومتر کوتاه‌تر می‌شود
- عرضه بزرین با کارت شتاب در تهران
- امروز و در صدر هیأتی از کارشناسان؛ آقازاده برای نهایی‌کردن زمان راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر به مسکو می‌رود
- مشاور رئیس‌جمهور در امور اینترگران؛ ۳۲هزار رزمنده بسیجی زیر خطر فقر زندگی می‌کنند

اطلاعات

- در گزارش‌های «پینزیسم‌مانیتور» و «اکنونویست» بررسی شد؛ پیش‌بینی افزایش اندوخته‌های ارزی ایران در چهار سال آینده- ذخایر خارجی ایران تا سال ۱۳۸۹ بیش از دوبرابر خواهد شد و از مرز ۱۰۰میلیارد دلار فراتر می‌رود
- برسش واشنگتن‌پست، پاسخ رئیس‌جمهور؛ آمریکا رفتارش را تغییر دهد تا همه‌چیز ممکن شود
- ازسرگیری مذاکرات محمود عباس و هنیه برای تشکیل دولت وحدت ملی
- رئیس‌جمهوری: نظام پولی و بانکی کشور باید انعطاف‌پذیر شود
- اشپیکل، مذاکرات سولانا و لاریجانی در بروکسل- برلین، پاریس و لندن به مذاکرات بدون پیش‌شرط با تهران ابرز تمایل کردند- وزیر خارجه روسیه؛ هیچ زمینه‌ای برای تحمیر ایران وجود ندارد
- مرگ اسامه بن‌لادن، سرکرده القاعده، همچنان در پرده ابهام- عربستان‌سعودی تأیید کرد که بن‌لادن بیمار شده است- حامد کرزای؛ سرکرده القاعده در افغانستان نیست

سازش

- دانش جعفری در اجتماع ۱۷۰هزارفری مقامات اقتصادی جهان؛ بانک جهانی سیاسی عمل نکند
- لااروف، وزیر خارجه روسیه؛ دلیلی برای تحریم ایران وجود ندارد
- احمدی‌نژاد در مصاحبه با نیوزویک؛ ان‌پی‌تی شرطی برای توقف غنی‌سازی نیست تعیین نکرده است
- شیراک؛ به آینده مذاکرات ایران و اروپا خوش‌بین هستم
- کروبی در جلسه گروه‌های هجده‌گانه اصلاح‌طلب؛ نیاز بود یک حزب در چارچوب نظام تشکیل دهد

جمهوری اسلامی

- فرزندان زنان ایرانی و پدران خارجی پس از ۱۸سال می‌توانند تقاضای تابعیت ایرانی کنند
- مساون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم؛ تشکل‌های دانشجویی نباید پیاده‌نظام احزاب
- جریان تخرج از دانشگاه شوند
- وزیر خسار: دستور انظامی با روزه‌خواری و اعمال مغایر احکامات مؤمنان روزه‌دار برخورد کند
- همایش مولانا در چین برگزار شد
- شورای اقتصاد کمک ۲۰میلیون ریالی برای جایگزینی تاکسی‌های فرسوده را تصویب کرد
- نسل جدید هواییماهای بدون‌سرنشین تحویل نیروهای مسلح شد